

مجموعه داستان

از در به آشپزخانه، هال، بالکن و اتاق

شیوا مسعودی

تصویرساز: نازنین مهرآیین

پاییز ۱۴۰۰

نام کتاب از در به آشپزخونه، هال، بالکن و اتاق
 نویسنده شیوا مسعودی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)
 تصویرساز نازنین مهرآئین
 چاپ اول پاییز ۱۴۰۰
 تیراژ ۳۰۰
 چاپ دیجیتال
 قیمت ۴۳۰۰۰ تومان

سرشناسه : مسعودی، شیوا، ۱۳۵۳ -
 عنوان و نام پدیدآور : از در به آشپزخونه، هال، بالکن و اتاق / نوشته‌ی شیوا مسعودی. (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)
 مشخصات نشر : تهران: پیام‌چارسو، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری : ۱۲۴ ص. - مظهر؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س. م.
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۷۸-۱-۴
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : بالای عنوان: مجموعه داستان.
 عنوان دیگر : مجموعه داستان.
 موضوع : داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع : Short stories, Persian -- 20th century
 رده بندی کنگره : PIR۸۳۶۱
 رده بندی دیویی : ۸۱۳/۶۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۸۹۶۱۱
 اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

یونیفرم: شهر روز خطیبی‌زاده

گرافیک: شیوا بهرامی

* تصویر روی جلد اثر نازنین مهرآئین است.

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است. تکثیر تمام یا بخشی از این کتاب به هر شکل
 (صوتی، تصویری، الکترونیکی و...) منوط به اجازه‌ی کتبی ناشر است.

تهران، صندوق پستی ۳۵۵-۱۶۳۱۵ تلفن: ۲۲۷۸۰۸۱۰

پیش‌گفتار نویسنده

این داستان‌های کوتاه تجربه‌هایی از روزهای غریب بهار و پاییز ۹۹ است. زمانی که در خانه خودمان ماندیم و داشته‌هایمان و فکرهایمان و خیالاتمان. در آغاز آنچه در قالب داستانی کوتاه، بسیار کوتاه، بر دفترم ظاهر شد برای خودم هم مانند روزهایمان غریب بود. انگار نتیجه‌ی سال‌ها گفتن و شرح دادن و گشودن در کلاس‌های درس بود. از جایی از من می‌آمد که نمی‌شناختمش. برای همین، هم غریب بود و هم صمیمی با زبانی روزمره و خودمانی که متعلق به فضای ناگزیر شخصی و بسته‌ی آن روزهایمان بود. پس واژه‌ها شکسته و گاه متفاوت می‌آمدند؛ صبح‌ها و شب‌ها می‌شدند صبحا و شبا و چسبیده می‌شد چسپیده و اون رو می‌خوره، می‌شد می‌خورتش. انگار فرزندى است حاصل این روزهای ماندگی. برگرفته از فکرهایی که شاید سال‌ها در گوشه‌های ذهنم مانده بود و این در خودماندگی، آن‌ها را به دنیا آورد. به همان ترتیب و تعدادی هستند که به

ذهنم آمدند و بر دفترم جاری شدند و با سی‌امی انگار تمام شدند: سی
قطعه از در به آشپزخانه، هال، بالکن و اتاق.

اولین شنونده و خوانندگانم در آن روزهای غریب، دخترم مهتاب صمدپور و
دانشجوی سابقم نازنین مهرآیین بود که تصویرگر داستان‌ها شد. و البته
در نهایت پژند سلیمانی عزیز بود که با همدلی و نوجویی‌اش پنجره‌ی
اصلی را به‌سوی خوانندگان احتمالی‌اش گشود. سپاسگزار همراهی‌شان
هستم که بدون آن‌ها این تجربه‌ی متفاوت به‌انجام نمی‌رسید.

www.ketab.ir